تیتر روز

وزیر نفت: دولت برنامه‌ای برای تغییر قیمت بنزین و گازوئیل ندارد

مردم: تورو خدا ول کنین، هنوز نتونستیم تغییر قیمت ندادن قبلی رو هضم کنیم!

وزیر ارتباطات: قطعی اینترنت مانند قطع کردن هواست

کاربران: هوا را از من بگیر، اما اینترنت را نه...!

کیک‌های قرصی به استان البرز رسید

دارکوب: باید فوت و فن سیستم پخش و توزیع بدون نقص و سریع رو از مجرم این قضیه یاد گرفت!

مدیرعامل منطقه آزاد کیش: جزیره به هیچ کشوری واگذار نمی‌شود

دارکوب: خاک و آب و هوا و زمین و بازار و ایناش چی؟!

وزیر صمت: خودروسازان تا پایان سال حق افزایش قیمت خودرو را ندارند

خودروسازان: حق گرفتنیه، نه دادنی!

۵۰ درصد تماس‌های اورژانس اجتماعی مزاحم هستند

اتفاقا مزاحم نیستن، خودشون نیاز به درمان دارن!

باخانمان

معضل نوشتن املا

مهدیسا صفری خواه | طنزپرداز

سندروم بازگشت به مدرسه سندروم عجیبی است. در این سندروم شما با لحظه به لحظه تحصیل فرزندتان شکنجه می‌شوید و هر ۳۰ ثانیه یک بار به خودتان می‌گویید «حالا خودم که درس خوندم مثلا چه گلی به سر جامعه‌ام زدم؟» بعد هم در یک عملیات انتحاری می‌خواهید بچه را از مدرسه بیرون بکشید و بفرستید دنبال یک هنر یا علاقه‌مندی و استعدادش که با دخالت دیگران ناکام می‌مانید.

گفتن املا به بچه کلاس اولی سخت‌ترین کار دنیاست، به‌ویژه وقتی به چهار مدل «ای» می‌رسند. انگار قرار است روی رایانه‌های نسل اول IBM اینستاگرام نصب کنید. تصور این که آینده دست بچه‌هایی باشد که وسط نوشتن املا هر ۳۰ ثانیه یک بار هنگ می‌کنند، ترسناک است. تنها جای زندگی‌ام که همسرم هیچ اظهار نظری درباره آن نمی‌کند همین ساعت املاست. برای من که حوصله حرف‌زدن ندارم، کشیدن کلمات و تکرار پنج باره هر کدام‌شان مثل این است که جای کل کابینه حرف بزنم و قول و وعده بدهم. شدت خونسردی همسرم در این مواقع به‌قدری است که دلم می‌خواهد با اولین پهپاد پستی بفرستمش به خارج از مرز، بعد با تیر و کمان جوری بزنمش که جعبه سیاهش هم پیدا نشود، بعد هم یک گوشه از این سورپرایز قیجوجه بروم و کیف کنم. در همین رویای شیرین هستم که می‌بینم بچه دوباره هنگ کرده سر همان نوشتن خط اول املایش. می‌دانم تا رسیدن به «هکسره» چیزی از من باقی نمی‌ماند. این‌ها تاوان همه هکسره‌های اشتباهی است که در جمع به روی آدم‌ها آوردم. تصور این که بچه یکی از همین فینگلیش‌نویس‌های دور و برم می‌شود تنم را می‌لرزاند، یکی از این خلاصه‌نویس‌هایی که انگار کد می‌نویسند به جای سلام و خوبی و زنگ بزن.

باورم نمی‌شود تا گرفتن دیپلمش زنده بمانم. آن‌هایی که در آمار سن امید به زندگی ایرانی‌ها را ۷۲ سال تخمین زده‌اند یا بچه کلاس اولی ندارند یا هرگز در زندگی به یک بچه کلاس اولی املا نگفته‌اند.

سوژه روز

سفر فقط باید ضروری باشه

اولی: یه خبر آوردم برا تون که حال کنین!

دومی: حقوق ریختن؟ یا آقای وزیر ارتباطات اسم پهپاد پست پلاس رو از بین کامنت‌هاش انتخاب کرد؟

اولی: معاون اول رئیس جمهور بخشنامه داده انجام هر گونه هزینه‌های زاید و تشریفاتی از جمله سفرهای غیرضروری از محل اعتبارات شرکت‌های دولتی ممنوع است.

سومی: مسخره‌مون کردی؟ الان چه چیز این خبر به ما مربوط می‌شه؟

اولی: از این که جلوی ریخت‌وپاش‌ها گرفته بشه و بیت‌المال حروم نشه، خوشحال نمیشین؟

سومی: قطعا خوشحال میشیم ولی مهم اینه که بخشنامه فایده‌ای داشته باشه و اون رو بخونن و بهش عمل کنن و هزینه‌های صرفه‌جویی شده به کار مردم بیاد.

دومی: ولی به این نکته‌اش توجه نکردین که میگه «سفرهای غیرضروری». مگه تا حالا کارمندها با پول دولت می‌رفتن سفرهای غیرضروری که قرار شده از این به بعد نرن؟

سومی: راست میگی! اصلا مگه باید همچین چیز بدیهی و واضحی رو بخشنامه کنن؟

اولی: شاید برای تاکید این بخش رو آوردن و منظورشون اینه که مثل روال قبل، باز هم این کار انجام نشه.

دومی: شاید هم منظور از سفرهای غیرضروری اینه که اگه مدیری پسرش رو به‌عنوان معاون و مشاور انتخاب می‌کنه و ماموریت می‌فرسته به سفر خارجی تا چیزی یاد بگیره، همراه گل‌پسر یا حتی گل‌دختر و گل داماد و گل عروس و... لازم نیست خانوادگی برن تا خیال‌شون راحت باشه که آقازاده و خانواده صحیح و سالم می‌رسن و آپارتمان‌شون خوبه و آب تو دل‌شون تکون نمی‌خوره. همین که خود مدیر و عیالش برن کافیه و سفر غیرضروری حساب نمی‌شه!

داماد یک مسئول: متاسفم برا تون که قدر نخبه‌هایی مثل ما رو نمی‌دونین. وقتی دیگه برنگشتیم به کشور تا از خدمات‌مون محروم بشین، می‌فهمین ما کی بودیم و فرق سفر ضروری و غیرضروری چیه!

توئیت روز

قرص لای چای!

- قیمت کاپشن جوری شده که اگه تا آخر زمستون هروقت سردمون شد اسکناس آتیش بزنیم و دورش جمع بشیم، به صرفه‌تره!
- روز جهانی چای تنها روزیه که مهم نیست روز پسر نداریم!
- اگه هاگوارتز، مدرسه جادوگری هری پاتر، واقعا وجود داشت باز هم مامان من عقیده‌اش این بود که درسم رو بخونم، کنارش جادو رو هم تو خونه ادامه بدم!
- آخرش همه‌مون به علت آلودگی هوا می‌میریم، فقط یه عده معلم و دانش‌آموز مقطع ابتدایی باقی می‌مونن!
- تنها خوبی شلوغی‌های این چند روزه مترو اینه که موقع پیاده‌شدن می‌تونی خودتو بندازی رو موج جمعیت، رو دست ببرنت بیرون، حس کنسرت‌های خارجی هم بهت دست می‌ده!
- امروز رفتم دارو خونه یه بسته خریدم توش قرص بود، واقعا آدم امنیت جانی نداره، تورو خدا مراقب باشین!
- دلهره‌آورترین لحظه دوران مدرسه وقتی بود که صبح دیر برسی مدرسه و ببینی هیچ کس تو حیاط نیست!
- ساعت ۳ نصفه شب زنگ زدم خونه به بابام گفتم چیزی نمی‌خوایدارم میام خونه بخرم؟ گفت: اگه جایی باز بود از این پلاستیک‌ها که جسدرو توش میندازن بخر، برای خودت لازمش دارم!

کارتون روز

ماجراهای فوتبال ایران و مربیان خارجی!

کارتونیست: محمد جواد طاهری

فال روز

ای صاحب فال، ورزش را فراموش کرده‌ای.
امروز را به ورزش اختصاص بده و یک گرمکن و کفش راحت بپوش و روی مبل لم بده و بزن شبکه ورزش و حالش را ببر!

شعر روز

هشدار وزارت خارجه: فعلا به فرانسه نروید، ناامن است

خبر ناگوار

آه ایفل دلم دوباره گرفت
سفر پاریس کنسل شد
پاس و ارز و بلیت فرست کلاس
همگی‌اش خیال باطل شد
چه کنیم بعد از این خبر حالا
پول‌مان را چگونه خرج کنیم؟
سخت و سنگین و ناگوار اصلا
مثل یک بلا که نازل شد
نرخ گوجه، سوخت، مایحتاج
مشکلات و درد این‌ها نیست
عطر اصل فرانسه دل می‌خواست
لیکنش یک گلاب شامل شد!

شیما اثنی عشری

پیامک روز

پیامک ۲۰۰۰۰۹۹۹
تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو! فقط...
نوشتن «دارکوب» ابتدای پیامک فراموش نشود!

دارکوب خیلی خوشحالم که از من کارگر بادوبچه و خانه اجاره‌ای که حتی یارانه معیشتی هم نگرفتم، مالیات گرفته میشه ولی فلان بازیگر که دستمزد میلیاردی داره معاف از مالیات دادنه!

دارکوب: این که تو این شرایط روحیه‌تون رو حفظ کردین و میگین خوشحال هستین، یعنی ما به هدف‌مون رسیدیم. بقیه رو هم بی‌خیال!

کاش با پول بنزین چند تا اتوبوس و واگن مترو می‌خریدن که مردم توی اتوبوس و مترو له نشن.

دارکوب: قرار شده پول بنزین رو فقط بدن به خود مردم، مردم هم می‌تونن با اون پول تاکسی دربست بگیرن تا له نشن!

دارکوب من کسی هستم که بعد از ظهرها برای تامین مخارج خانواده، مسافرکشی می‌کردم ولی از وقتی بنزین گرون شده دیگه این آب باریکه هم قطع شده. یه چیزی جوابم رو بده که دلم باز بشه!

دارکوب: داداش با این پیامکت دل‌مون گرفت، تو یه چیزی بگو که دل ما باز بشه!

دارکوب عزیز؛ ما برای فوتبال میلیاردی خرج می‌کنیم ولی چرا میلیونی و هزاری نتیجه می‌گیریم؟!

دارکوب: شاید تفاوتش تو اختلاف صفرهای ریال و دلاره!